

## تحلیل نگرانی‌های حضرت زهرا علیها السلام و تسلاهی آن با بشارات مهدوی

ابراهیم قاهری<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۷

### چکیده

قدر مشترک همه روایات مهدوی وعده و بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام به مخاطبان عام و خاص و ذکر برخی از جزئیات آن است. مخاطبان خاص بشارات‌های مهدوی پیامبر صلی الله علیه و آله، عباس، جعفر، علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام می‌باشند. این مقاله با روش کتابخانه‌ای، توصیفی و تحلیلی داده‌ها و با مراجعه به منابع حدیثی و رجالی و کلامی امامیه و اهل سنت و به دور از تعصب و با رعایت انصاف علمی درصدد است تا نگرانی‌های حضرت زهرا علیها السلام هم‌زمان و پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله را تحلیل و ارتباط آن را با بشارات‌های مهدوی پیامبر صلی الله علیه و آله واکاوی کند. بررسی مفاد این روایات می‌تواند دریچه‌ای تازه نسبت به ادله نگرانی‌های حضرت زهرا علیها السلام برای ما بگشاید. در یک نگاه می‌توان گفت تمام نگرانی‌های حضرت زهرا علیها السلام، نابودی سرمایه‌ها و میراث گرانقدر اسلام و در نتیجه گمراهی مردم پس از پیامبر صلی الله علیه و آله است و این بشارات‌ها که مزده و تسلاهی خاطر ایشان است ناظر به دو معنا است. اول این‌که با اطاعت از خاندان نبوت و امامت مردم از گمراهی نجات خواهند یافت و دوم این‌که با ظهور حضرت مهدی علیه السلام امامت به جایگاه اصلی خود باز خواهد گشت.

واژگان کلیدی: بشارت، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، حضرت مهدی علیه السلام، مهدویت، امامت، حضرت زهرا علیها السلام.

### مقدمه

مسئله منجی و مهدویت یکی از عوامل وحدت بخش و آرمان اعتقادی همه ادیان آسمانی و مذاهب اسلامی است. از این میان روایات مربوط به ظهور مهدی موعود علیه السلام از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام با توجه به این‌که یکی از موضوعات اعتقادی مشترک از نگاه فریقین

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه مازندران، تهران، ایران  
(.ebrahimghaheri@yahoo.com)

است، موضوعی است که روایات شیعه و اهل سنت به آن تاکید فراوانی داشته تا جایی که می‌توان نسبت به آن ادعای تواتر کرد. از مجموعه روایات مربوط به این موضوع، روایاتی است که در منابع معتبر و کهن حدیثی شیعه و اهل سنت به دفعات ذکر شده که قدر مشترک اکثر آنها وعده و بشارت ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

با بررسی‌های به عمل آمده شش گونه موضوعی در مورد روایات بشارت پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات امامیه و اهل سنت وجود دارد که عبارتند از:

۱. **بشارت‌های سیاقی و تلویحی:** روایاتی که واژه بشارت در آن نیامده اما سیاق و لحن امیدبخش و بشارت‌گونه کلام پیامبر صلی الله علیه و آله گویای بشارت آمدن حضرت است که در این روایات جزئیات زیادی در مورد حضرت مطرح شده است. به طور کلی اکثر قریب به اتفاق روایات مهدوی می‌تواند در این دسته قرار گیرد. از یک نظر کلیه ۲۰۰۰ حدیثی که در حدود ۶۰۰ منبع از منابع شیعه و اهل سنت در مورد روایات مهدویت با تمام جزئیات آن آمده، همگی به نوعی بر وعده آمدن حضرت و بشارت به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دلالت دارد. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ج ۱، ۶) به عبارت دیگر حدود ۹۸ درصد بشارت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله مربوط به این دسته است. برخی از جزئیاتی که در این روایات آمده است عبارتند از؛ وعده آمدن مهدی قبل از قیامت، وعده قیام یکی از اهل بیت در آخرالزمان، خروج بعد از فراگیری ظلم و جور، وعده آمدن قبل از زوال دنیا، وعده آمدن بعد از بروز اختلافات و فتن، خروج مهدی از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله، شرایط زمانی و مکانی قبل و حین و بعد ظهور و... (ناصری، ۱۴۲۷: ۱۹)

۲. **بشارت‌های عام و همگانی:** در منابع امامیه و اهل سنت ۷۹ روایت (۴۴ روایت از اهل سنت و ۳۵ روایت در شیعه) در ۴۹ منبع (۳۷ منبع از اهل سنت و ۱۲ منبع در شیعه) از پیامبر صلی الله علیه و آله با اسناد مختلف و تعابیر مشابه و وحدت مضمون مبنی بر بشارت‌های عام و همگانی ایشان به مردم در مورد ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد. در این روایات همگی واژه ابشرکم بالمهدی که دلالت بر بشارت همگانی است وجود دارد. به این معنا که پیامبر صلی الله علیه و آله وعده ظهور حضرت را با تعبیر بشارت و تسلی خاطر عامه مردم مطرح کرده است. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ج ۱، ۴۳۴)

۳. **بشارت‌های اختصاصی به علی علیه السلام و جعفر:** در روایاتی پیامبر صلی الله علیه و آله وعده آمدن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به علی علیه السلام و جعفر بشارت داده است. در این روایات واژه ابشرک به چشم می‌خورد. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ج ۱، ۲۲۱)

۴. بشارات‌های الهی: در روایاتی آمده است خداوند و فرشتگان به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مورد آمدن حضرت بشارت داده‌اند در این روایات تعبیر «أبشرك، يا رسول الله بالقائم من ولدك» آمده است. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ج ۱، ۵۴۰)

۵. بشارات‌های اختصاصی به عباس بن عبدالمطلب: در این روایات نیز واژه ابشرک یا ابالفضل آمده است. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ج ۱، ۲۰۲)

۶. بشارات‌های اختصاصی به فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام: در این روایات واژه ابشری یا فاطمه به چشم می‌خورد. به این معنا که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به طور ویژه و خاص خطاب به حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام بشارت وعده ظهور حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى را داده است. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ج ۱، ۱۴۲-۱۵۲)

سعی ما در این مقاله تحلیل روایات بشارات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ظهور حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى خطاب به حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام و ارتباط آن با نگرانی‌های ایشان همزمان و پس از رحلت نبی مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. پیامدی که اثبات این مسئله می‌تواند در عرصه علمی و پژوهشی ایجاد کند علاوه بر تحکیم اصالت اعتقاد به مهدویت و باورداشت ظهور حضرت، ریشه‌یابی نگرانی‌ها و دغدغه‌های حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام هم‌زمان و پس از رحلت پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و بیان آرمان‌های ایشان با تحقق ظهور حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى و نحوه تسلی خاطر ایشان به وسیله این بشارات هاست.

بنابراین سؤال اصلی این مقاله این است که چه تحلیلی می‌توان بر نگرانی‌های حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام هم‌زمان و بعد از رحلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داشت و این نگرانی‌ها چگونه می‌تواند با بشارات‌های مهدوی از سوی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطاب به حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام ارتباط داشته باشد؟

این موضوع از دو جهت حائز اهمیت است اول خود این نگرانی. اهمیت این نگرانی‌ها تا جایی است که حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام به عنوان دختر اولین شخصیت جهان اسلام را به عنوان یکی از بکائین معرفی می‌کند و آن قدر شدید و جانکاه است که حتی برای رفع این نگرانی خود و فرزندان‌ش به شهادت می‌رسند. دوم نحوه تسلی این نگرانی و ارتباط آن با بشارات‌های مهدوی.

۹۱ علیرغم اهمیت این موضوع و تأثیر آن در مبانی کلام شیعه و اهل سنت مع‌الاسف به طور خاص در مورد بشارات‌های پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت به آمدن حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى خطاب به حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام غیر از کتب روایی، پیشینه‌ای از مقالات و پایان‌نامه یافت نشد. لذا این موضوع به عنوان یک مقاله می‌تواند در خور بررسی باشد. البته در دو مقاله به ارتباط بین حضرت

فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ و حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ اشاره شده است. (حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ، الگوی حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ، سید محمد حسینی شاهرودی؛ حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ و امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ (۱ و ۲، علی مصلحی) اما در هیچ منبع مستقلاً روایات بشارات پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به آمدن حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ خطاب به حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ بررسی نشده است. لذا در مقاله حاضر با هدف پر کردن این خلا علمی از روش کتابخانه‌ای این مسئله تحلیل و بررسی خواهد شد.

### بشارات‌های مهدوی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خطاب به حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ

در مورد بشارات‌های اختصاصی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ در مورد ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ ۱۶ روایت با نقل مشابه و اسناد متفاوت و مضمون واحد در کتب روایی شیعه و اهل سنت از ابویوب أنصاری، ابوسعید خدری، سلمان فارسی، علی هلالی، ابن عباس، عمار، جابر بن عبدالله انصاری، ابوالطفیل، امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ، یافت شده است. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ج ۱، ۱۴۲-۱۵۲) یکی از کامل‌ترین این روایات، روایت زیر است:

علی بن علی هلالی از پدرش نقل می‌کند که در زمان بیماری پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که منجر به رحلت حضرت شد برایشان وارد شدم در حالی که فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ در بالین سر حضرت نشست بود و به شدت گریه می‌کرد تا جایی که صدایش بلند شده بود. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روی خود را به سوی ایشان کرده و فرمود: حبیب من فاطمه چرا گریه می‌کنی؟ فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ فرمود: از (ضیعه) نابودی بعد از شما می‌ترسم. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: حبیبم آیا می‌دانی خداوند یکبار نظر توجهی به زمین افکند و از آن پدرت را انتخاب کرد و او را به رسالت برگزید و بار دیگر نظری دیگر کرد و از آن شوهرت را انتخاب نمود و به من وحی کرد تا او را به نکاح تو در آورم؟ ای فاطمه ما اهل بیت را خداوند هفت خصلت عطا بخشیده که به هیچ کس چه بعد و چه قبل از ما عطا نکرده است. خاتم پیامبران و گرامی‌ترین پیامبران و محبوب‌ترین مخلوقات خداوند پدر توست. وصی ما بهترین اوصیاء و محبوب‌ترین خلق خدا حمزه بن عبدالمطلب عموی توست. شهید ما بهترین شهدا و محبوب‌ترین خلق نزد خدا حمزه بن عبدالمطلب عموی پدر و شوهر توست. از ماست کسی که دو بال سبز دارد و همراه ملائکه در بهشت به هر جا بخواهد پرواز می‌کند و او پسر عموی پدرت و برادر شوهر توست. از ماست دو سبط این امت حسن و حسین سرور جوانان بهشت که فرزندان تو هستند. قسم به کسی که مرا به حق برانگیخت پدرشان از آن دو بهتر است.

در ادامه این حدیث آمده است:

سپس پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ فرمود: قسم به کسی که مرا به حق مبعوث کرد از این دو فرزند (امام حسن و امام حسین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) مهدی این امت خواهد آمد هنگامی که دنیا دچار

هرج و مرج شد و فتنه‌ها پی در پی تحت تأثیر یکدیگر آشکار شدند و امنیت راه‌ها از بین رفت و گروهی بر گروه دیگر شروع به غارت‌گری و حمله کردند. نه بزرگ بر کوچک رحم می‌کند و نه کوچک بزرگ را محترم می‌شمارد. خداوند عزوجل در این هنگام از این دو فرزند (حسن و حسین علیهما السلام) کسی را مبعوث می‌کند که مراکز گمراهی را فتح می‌کند و قلوب از حقیقت دور شده را به حقیقت نزدیک می‌کند. دین را در آخرالزمان قوام و استحکام می‌بخشد همان‌گونه که در اول زمان این‌گونه کرد. دنیا را پر از عدل می‌کند همان‌گونه که پر از جور شده است. ای فاطمه نگران مباش و گریه مکن. خداوند عزوجل به تو مهربان‌تر و رؤوف‌تر نسبت به من است. این به خاطر ارزش و جایگاه تو در قلب من است. خداوند همسرت را به تو تزویج کرد کسی که شریف‌ترین انسان‌ها در اهل بیت از نظر حسب و گرامی‌ترین آنها از نظر منصب است. نسبت به مردم مهربان‌تر و عدالت‌او از همه بیشتر و بصیرتش در قضایا و امور بیشتر است. از خداوند خواسته‌ام که اول کسی که از اهل بیت من به من ملحق می‌شود تو باشی. علی علیه السلام می‌فرماید: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت فاطمه علیها السلام ۷۵ روز بعد از آن بیشتر زنده نماند و به پیامبر صلی الله علیه و آله ملحق شد. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ج ۱، ۱۴۲ به نقل از ۲۸ کتاب روایی فریقین)

اعتبارسنجی تک‌تک این روایات مجال دیگر می‌طلبد اما به طور کلی می‌توان گفت از مجموع ۱۶ روایتی که توسط نگارنده بررسی شده، تنها دو روایت را می‌توان به قطع حکم به اعتبار سندی آن داد ولی با توجه به نکات زیر نمی‌توان از بقیه روایات به عنوان روایات نامعتبر عبور کرد. نکاتی که باعث می‌شود حکم به اعتبار سندی و مضمون کلی این روایات داد و در واقع ضعف سندی این روایات را به وسیله آن علاج کرد و عبارتند از:

این روایات طبق شمارشی که انجام شده است در ۵۹ کتاب از کتب روایی شیعه و اهل سنت با اسناد و تعابیر مختلف نقل شده که تعداد معتنا بهی است و نمی‌توان همه این کتب را مخدوش یا ضعیف دانست. این کتب عبارتند از: *مقاتل الطالبیین*، *مستدرک الحاکم*، *صفة المهدی*، *عقد الدرر*، *تاریخ مدینه دمشق*، *ذخائر العقبی*، *الحاوی*، *العرف سیوطی*، *جمع الجوامع*، *مسند فاطمة*، *جامع الأحادیث*، *برهان المتقی*، *کنز العمال*، *کنوز الدقائق*، *ینابیع المودة*، *مشارق الأنوار*، *الإذاعة*، *إبراز الوهم المکنون*، *المهدی المنتظر*، *دلائل الامامة*، *كشف الغمة*، *إثبات الهداة*، *حلیة الأبرار*، *غایة المرام*، *البحار*، *ملحقات إحقاق الحق*، *منتخب الأثر*، *المعجم الصغیر*، *مجمع الزوائد*، *استجلاب ارتقاء الغرف*، *القول المختصر*، *تفسیر روح البیان*، *المعجم الأوسط*، *بیان الشافعی*، *الصواعق المحرقة*، *أربعون أبی نعیم*، *أربعون أبی العلاء*، *فرائد السمطین*، *العطر الوردی*، *عوامل سیدة النساء فاطمة*، *کفایة الأثر*، *عوامل النصوص علی الأئمة*، *الأنوار البهیة*، *مناقب ابن المغازلی*، *مناقب الخوارزمی*، *مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام*، *العمدة*، *الطرائف*،

أمالی طوسی، الفصول المهمة، الصراط المستقیم، كشف اليقين، فضائل الصحابة سمعانی، غیبة طوسی، عمدة النظر بحرانی، کتاب سلیم بن قیس، تفسیر فرات کوفی، کمال الدین و إرشاد القلوب. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ج ۱، ۱۴۲-۱۵۲)

بسیاری از کتب فوق از کتب معتبر شیعه و اهل سنت هستند که بسیاری از علما و محققان حدیث پژوه بر اعتبار آن صحه گذاشته‌اند.

این روایات در طبقه اول از ۸ نفر از صحابه غیر اهل بیت علیهم‌السلام نقل شده که عبارتند از ابویوب انصاری، ابوسعید خدری، سلمان فارسی، علی هلالی، ابن عباس، عمار، جابر بن عبدالله انصاری، ابوالطفیل. این امر نشان‌دهنده این است که حداقل ۸ نفر از اصحاب شاهد بشارت‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به حضرت زهرا علیها‌السلام در باب مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریفة بوده‌اند.

این روایات با اسناد و تعابیر مشابه و وحدت مضمون در کتب شیعه و اهل سنت به طور مشترک و به کرات نقل شده و همدیگر را تأیید و پشتیبانی می‌کنند و هیچ روایتی را نمی‌توان یافت که از نظر مضمون با این روایات در تضاد و تعارض باشد. در واقع با تشکیل خانواده حدیث می‌توان گفت مجموعه این روایات یک مضمون واحد دارند و همگی آنها حکایت از بشارت‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به حضرت زهرا علیها‌السلام در باب مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریفة است.

چون حداقل دو روایت از مجموع این روایات به طور قطع صحیح است و این روایات از نظر مضمون با روایات دیگر مشابه است پس می‌توان سایر روایات ضعیف را مقوم و تأییدکننده این روایات دانست.

بعضی از راویان در اسناد این روایات به عنوان مجهول ذکر شده‌اند در واقع باعث می‌شود حکم به صحت این روایات نکنیم نه این که حکم به ضعف بدهیم با این توصیف بسیاری از این روایات مسکوت عنه باقی می‌مانند نه ضعیف و نهایتاً این روایات به دلیل وجود راویان مجهول الحال مسکوت عنه باقی می‌مانند.

بعضی از راویان این روایات در کتب اهل سنت در زمره شیعیان عالی معرفی شده‌اند در حالی که در رجال شیعه مجهول الحال و مسکوت عنه هستند. بنابراین حداقل از نظر شیعه نمی‌توان حکم به ضعف سندی این دسته از روایات فقط به خاطر وجود این راویان کرد.

این روایات با ۱۹۲ روایتی که در منابع شیعه و اهل سنت وجود دارد که دلالت بر این دارد که حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریفة از فرزندان فاطمه علیها‌السلام است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰: ج ۱ و ۲) سازگار است.

## بررسی احتمالات در مورد ناراحتی شدید حضرت زهرا علیها السلام

در پاسخ به این پرسش که چرا پیامبر صلی الله علیه و آله بشارت‌های خاص ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به حضرت زهرا علیها السلام داده است باید گفت که با توجه به این که اصولاً فلسفه بشارت دادن به هر فرد به این معناست که آن فرد از مطلبی رنجش خاطر دارد و نیاز به تسکین و دلداری یا اخبار خوش دارد. بنابراین پیامبر صلی الله علیه و آله موضوع آمدن و ظهور حضرت و این که او از سلاله حضرت زهرا علیها السلام می باشد را به او اطلاع می دهد.

حال باید دید رنجش حضرت زهرا علیها السلام متأثر از چه موضوعی است که نیازمند بشارتی این چنین مهم و مسرت بخش است. اگر به فضای صدور این روایات برویم خواهیم دید همگی بشارت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت زهرا علیها السلام در اواخر عمر حضرت است. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ج ۱، ۱۴۲-۱۵۲) مواقعی که زهرا علیها السلام بسیار اندوهگین و در حال گریستن است. اما گریستن و اندوه حضرت زهرا علیها السلام ناشی از چیست؟ و اصولاً بشارت به حضرت زهرا علیها السلام چه تحلیلی می تواند داشته باشد. دو احتمال در این زمینه در خور توجه است.

اول این که حضرت زهرا علیها السلام از فراق پدر می نالد. این مطلب با توجه به فضای صدور روایت صحیح است حتی در یکی از مجموعه این روایات آمده است: فاطمه علیها السلام بر ایشان وارد شد هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله را دید بغض گلویش را گرفت و اشکش بر گونه هایش جاری شد پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان فرمود: دختر جانم چرا گریه می کنی؟ فاطمه علیها السلام فرمود: بر خودم و فرزندانم بعد از شما می ترسم. پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود فرمود ای فاطمه آیا نمی دانی که خداوند برای ما اهل بیت آخرت را بر دنیا برگزیده است و این که تمام مخلوقاتش محکوم به فنا خواهند بود... اما این احتمال نمی تواند به تنهایی دلیل گریه و ناله های حضرت زهرا علیها السلام باشد. همچنین عدم تناسب بشارت به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این حال، با فضای صدور این مطلب را بر نمی تابد. افزون بر آن حضرت زهرا علیها السلام مادر زینب علیها السلام است که خود اسوه صبر است لذا تنها فراق پدر نمی تواند دلیل تامه اندوه حضرت باشد. علاوه بر آن، حضرت زهرا علیها السلام خود مفسر قرآن و محدثه است و نسبت به آیات قرآن اشراف کامل دارد که نمونه آن در خطبه فدکیه نمودار است. در قرآن بارها به رحلت یا شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره شده است؛ «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ» (زمر: ۳۰) «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ» (آل عمران: ۱۴۴) بنابراین حداقل باید اندوه دیگری علاوه بر این اندوه وجود داشته باشد تا با بشارت به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تناسب بیشتری داشته باشد.

اما احتمال دوم که قوی‌تر به نظر می‌رسد این است که اندوه حضرت زهرا علیها السلام بیشتر ناشی از اطلاع از حوادث بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله است. حوادثی که باعث شد هدایت انسان‌ها بعد از پدر به جای این که از مسیر صحیح امامت تنصیصی از سوی خداوند عبور کند از مسیر خلافت توسط شواری حل و عقد عبور کرد. در واقع نگرانی حضرت زهرا علیها السلام از تضييع حق اهل بیت علیهم السلام در ولایت و گمراهی و انحراف امت از سرمایه‌ها و میراث گرانبهای پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی قرآن و اهل بیت علیهم السلام است. دلیل این ادعا را ادامه خواهیم گفت.

### گمراهی امت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله علت اندوه زهرا علیها السلام

در زیر به ادله این ادعا خواهیم پرداخت.

۱. اولین دلیل ما بر این ادعا تعبیر الضیعه در ۱۰ مورد از روایات ۱۶ گانه است. در این روایات تصریح شده هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از دخترش در مورد علت گریه می‌پرسد حضرت زهرا علیها السلام می‌فرماید:

أخشى الضیعة من بعدك؛

از ضیعه (نابودی) بعد از شما می‌ترسم.

در یکی دیگر از این روایات تصریح شده است:

أخشى على نفسى وولدى الضیعة من بعدك؛

بر نابودی خودم و فرزندانم بعد از شما می‌ترسم. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ج ۱، ۱۴۲-۱۵۲)

در این جا لازم است واژه ضیعه بیشتر مورد بررسی قرار گیرد. با بررسی کتب لغت ذیل این واژه می‌توانیم بگوئیم الضیعه که از ریشه ضوع یا ضیع است به دو معنای مرتبط با هم توصیف شده است یکی به معنای نابودی و هلاکت و ضایع شدن و از بین رفتن و تلف شدن است و دیگری به معنای عقار و مایملک و سرمایه انسان چه مادی مانند صناعت و ملک و زمین حاصل خیز و... و چه معنوی مانند حرفه و شغل و معیشت و حتی حکومت و... ارتباط این دو معنا در کتب لغت به این نحو تفسیر شده است که اگر انسان نسبت به مایملک خود اهمال و کوتاهی کند در معرض هلاکت و نابودی قرار خواهد گرفت. یا این که در کل مایملک انسان به دلیل این که فانی است و در معرض نابودی لذا به مرور برای تلف شدن هر چیزی از این واژه بهره گرفته شده است. (ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۸، ۲۲۸؛ رازی، محمد بن عبدالقادر، ۱۴۱۵: ۲۰۴؛



طریحی، ۱۴۰۸: ج ۳، ۳۲؛ زبیدی، بی تا: ج ۵، ۴۳۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۱۳؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ذیل واژه ضیع)

با این توصیف در مورد معنای جمله دختر رسول خدا ﷺ در عبارت أخصی الضیعة من بعدك دو احتمال وجود دارد. اول این که از نابودی بعد از شما می ترسم و دوم از سرنوشت مایملک بعد از شما می ترسم و اگر بخواهیم عبارت «أخصی علی نفسی و ولدی الضیعة من بعدك» را در روایات دیگر این مجموعه بهتر ترجمه کنیم باز دو احتمال وجود دارد اول این که بگوئیم از نابودی خود و فرزندانم بعد از شما می ترسم و دوم این که بگوئیم از سرنوشت مایملک خود و فرزندانم بعد از شما می ترسم. حال می خواهیم این دو احتمال را در دو عبارت فوق بیشتر مورد بررسی قرار دهیم.

احتمال اول این است که علت گریستن و ناراحتی حضرت زهرا ﷺ به خاطر ترس از نابودی است. باید ببینیم منظور از نابودی در عبارت «أخصی الضیعة من بعدك» چیست. اگر منظور از ضیعه و نابوی، مرگ است به دلایل زیر نمی تواند صحیح باشد. چرا که دختر پیامبر ﷺ هیچ گاه از مرگ هراسی نداشته است. اولین دلیل این مطلب این است که با توجه به روایات مستفیض که از شیعه و اهل سنت نقل شده پیامبر ﷺ در لحظات آخر عمر با دختر خود گفت وگویی داشته است. در اول گفت وگو حضرت زهرا ﷺ به شدت گریه می کرد اما در اواسط یا آخر این گفت وگو لبخندی نشانه رضایت و مسرت بخش بر لبان ایشان نقش بسته است. بعد که از ایشان می پرسند پیامبر ﷺ به شما چه فرمود که گریستی؟ فرمود. پدرم از رحلت خویش به من خبر داد و بار دیگر که از علت خنده می پرسند، می فرماید پیامبر ﷺ به من فرمود تو اولین نفری هستی که به من ملحق خواهی شد. این روایت در ضمن یکی از همین مجموعه روایات نیز مطرح شده است. دومین دلیل، سیره قولی و عملی حضرت زهرا ﷺ در طول زندگی مبارک خود است به عنوان نمونه می توان به شرکت در جنگ ها به عنوان پشتیبان مجاهدان در زمان حیات پیامبر ﷺ و پشتیبانی قولی و عملی تا پای جان از حضرت علی ﷺ پس از رحلت پدر بزرگوارش را ذکر کرد. با این توصیف می توان گفت دختر رسول خدا ﷺ هیچ گاه از مرگ بعد از پیامبر ﷺ هراسی نداشته است. پس منظور از الضیعه می تواند معنایی دیگر داشته باشد و آن تزییع حق یا نابودی دین است. در برخی دیگر از روایات، حضرت زهرا ﷺ از تزییع حق خود و فرزندانش بعد از رحلت پیامبر ﷺ در هراس است. این احتمال با جریاناتی که بعد از رحلت پیامبر ﷺ و اطلاع حضرت از این وقایع بعد از رحلت پیامبر ﷺ سازگاری بیشتری دارد.

اما احتمال دوم در باب معنای اخشی الضیعه من بعدک این است که از (سرنوشت) مایملک و سرمایه شما بعد از شما می‌ترسم. حال باید دید ما یملک و سرمایه پیامبر ﷺ چیست؟ با توجه به حدیث متواتر ثقلین سرمایه و میراث گرانبهای پیامبر اسلام ﷺ قرآن و اهل بیت حضرت است. بنابراین شدت نگرانی حضرت زهرا ؑ در مورد سرنوشت قرآن و اهل بیت بعد از رحلت پیامبر اسلام ﷺ است. اگر بخواهیم روایات دیگر در این باب که می‌فرماید (از سرنوشت خود و فرزندانم نگرانم) را ملاک قرار دهیم حضرت زهرا ؑ در مورد ثقل اصغر پیامبر ﷺ یعنی سرنوشت اهل بیت پیامبر ﷺ بعد از رحلت ایشان بیشتر در هراس است. چرا که تقریباً خیال مبارکش از تحریف لفظی و صیانت قرآن به دلیل وعده حفاظت خداوند راحت است ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر: ۹) اما نسبت به سرنوشت اهل بیت ؑ تضمینی برای حضرت نیست. لذا در این زمینه به شدت نگران و گریان است. این احتمال نیز با توجه به سیره قولی و عملی حضرت که همواره با تمام توان و خانواده در جهت تقویت دین خدا می‌کوشیده سازگار است و دور از ذهن نیست و نیازی به اثبات ندارد. البته باید توجه داشت تضييع حق اهل بیت ؑ در ولایت یعنی انحراف از مسیر اصلی اسلام و گمراهی امت از تعالیم ناب نبوی که قرار بود از مقامات تالی تلو پیامبر ﷺ یعنی اهل بیت ؑ به مردم ابلاغ شود. این یعنی به هدر رفتن تمام تلاش‌های پیامبر ﷺ در طول رسالت حضرت. اینها همه نگرانی‌های حضرت را در اواخر عمر شریف پیامبر بر حضرت زهرا ؑ می‌افزاید لذا با دیدن حال وخیم پیامبر ﷺ، میراث و سرمایه‌هایی که پیامبر ﷺ، علی ؑ و اهل بیت ؑ و اصحاب جان بر کف آنها در طول سالیان به دست آورده‌اند را در خطر می‌بیند لذا به شدت می‌گرید و اشک می‌ریزد.

۲. دومین دلیل بر این که گمراهی امت دلیل اندوه زهرا ؑ است در خود این روایات نهفته است. در روایت مذکور آمده است:

پیامبر ﷺ به فاطمه ؑ فرمود: قسم به کسی که مرا به حق مبعوث کرد از این دو فرزند (امام حسن و امام حسین ؑ) مهدی این امت خواهد آمد هنگامی که دنیا دچار هرج و مرج شد و فتنه‌ها پی در پی تحت تأثیر یکدیگر آشکار شدند و امنیت راه‌ها از بین رفت و گروهی بر گروه دیگر شروع به غارت‌گری و حمله کردند. نه بزرگ بر کوچک رحم می‌کند و نه کوچک بزرگ را محترم می‌شمارد. خداوند عزوجل در این هنگام از این دو فرزند (حسن و حسین ؑ) کسی را مبعوث می‌کند که مراکز گمراهی را فتح می‌کند و قلوب از حقیقت دور شده را به حقیقت نزدیک می‌کند. دین را در آخرالزمان قوام و استحکام می‌بخشد

همان‌گونه که در اول زمان این‌گونه کرد و دنیا را پراز عدل می‌کند همان‌گونه که پراز جور شده است. ای فاطمه نگران مباش و گریه مکن. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ج ۱، ۱۴۲-۱۵۲)

بنابراین با توصیف اقدامات هدایت‌گرانه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه دغدغه حضرت زهرا علیها السلام نسبت به گمراهی امت بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، حل خواهد شد.

۳. سومین دلیل روایت دیگری در این باب است. در اثنای این روایت آمده است:

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله در حالت احتضار قرار گرفت علی را فراخواند و مدت طولانی با او بود. آن‌گاه به ایشان فرمود: ای علی تو وصی و وارث من هستی. خداوند علم و فهم مرا به تو عطا کرده است. هنگامی من از دنیا رفتم کینه‌ها که در سینه‌های قوم نهان گشته برای تو آشکار می‌شود و حق تو را از روی کینه غصب خواهند کرد. فاطمه علیها السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام (از این سخن) به گریه افتادند. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ج ۱، ۱۴۲-۱۵۲)

با این توصیف مشخص شده که تضييع حق و غصب خلافت و در پی آن گمراهی امت مهم‌ترین دغدغه حضرت زهرا علیها السلام بوده است.

۴. چهارمین دلیل ما بر این ادعا که اندوه حضرت گمراهی امت از مسیر اصلی اسلام است را می‌توان در وقایع بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در سیره قولی و فعلی حضرت زهرا علیها السلام بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله جست‌وجو کرد. این اندوه بارها و به خصوص در سخنان حضرت در خطبه فدکیه و گفت‌وگوی ایشان با زنان مهاجر و انصار و گفت‌وگوی اختصاصی با خلفای وقت کاملاً مشهود است. در این فرازها دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله به وضوح از بیراهه رفتن و گمراهی امت سخت آزرده خاطر است. البته اعتبارسنجی و بررسی این روایات مجال دیگری می‌طلبد.

به عنوان نمونه در قسمتی از خطبه فدکیه آمده است:

و آن‌گاه که خداوند برای پیامبرش خانه انبیاء و آرامگاه اصفیاء را برگزید، علائم نفاق در شما ظاهر گشت، و جامه دین کهنه، و سکوت گمراهان شکسته، و پست رتبه‌گان با قدر و منزلت گردیده، و شتر نازپرورده اهل باطل به صدا درآمد، و در خانه‌های تان بیامد، و شیطان سر خویش را از مخفیگاه خود بیرون آورد، و شما را فراخواند، مشاهده کرد پاسخگوی دعوت او هستید، و برای فریب خوردن آماده‌اید، آن‌گاه از شما خواست که قیام کنید، و مشاهده کرد که به آسانی این کار را انجام می‌دهید، شما را به غضب واداشت، و دید غضبناک هستید، پس بر شتران دیگران نشان زدید، و بر چیزی که سهم شما نبود وارد شدید. این در حالی بود که زمانی نگذشته بود، و موضع شکاف زخم هنوز وسیع بود، و جراح التیام نیافته، و پیامبر صلی الله علیه و آله به قبر سپرده نشده بود، بهانه آوردید که از فتنه

می‌هراسید، آگاه باشید که در فتنه قرار گرفته‌اید، و برآستی جهنم کافران را احاطه نموده است. این کار از شما بعید بود، و چطور این کار را کردید، به کجا روی می‌آوردید، در حالی که کتاب خدا رویاروی شماست، آموزش روشن، و احکامش درخشان، و علائم هدایتش ظاهر، و محرماتش هویدا، و اوامرش واضح است، ولی آن را پشت سر انداختید، آیا بی‌رغبتی به آن را خواهید؟ یا به غیر قرآن حکم می‌کنید؟ که این برای ظالمان بدل بدی است، و هرکس غیر از اسلام دینی را جویا باشد از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیان‌کاران خواهد بود. آن‌گاه آن قدر درنگ نکردید که این دل رمیده آرام گیرد، و کشیدن آن سهل گردد، پس آتشگیره‌ها را افروخته‌تر کرده، و به آتش دامن زدید تا آن را شعله‌ور سازید، و برای اجابت ندای شیطان، و برای خاموش کردن انوار دین روشن خدا، و از بین بردن سنن پیامبر ﷺ برگزیده آماده بودید، به بهانه خوردن، کف شیر را زیر لب پنهان می‌خورید، و برای خانواده و فرزندان او در پشت تپه‌ها و درختان کمین گرفته و راه می‌رفتید، و ما باید بر این امور که همچون خنجر بژان و فرورفتن نیزه در میان شکم است، صبر کنیم... (ابن طیفور، بی‌تا: ۲۶؛ حسن بن سلیمان حلّی، بی‌تا: ۴۵۶؛ جوهری، بی‌تا: ۹۸؛ أبو الفرج اصفهانی، بی‌تا: ۶۰؛ تمیمی مغربی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۳۴، ح ۱۷۴؛ شیخ صدوق، بی‌تا: ج ۳، ۳۷۲، ح ۱۷۵۴؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۶: ج ۱، ۲۸۹؛ سید بن طاووس، ۱۳۹۸: ۲۶۳، ح ۳۶۸؛ الآبی، بی‌تا: ج ۴، ۸؛ سیدمرتضی، ۱۴۱۰: ج ۴، ۷۱؛ طبری، ۱۴۱۳: ج ۴، ۱۱۱؛ خوارزمی، بی‌تا: ۱۲۱، ح ۵۹؛ طبرسی، بی‌تا: ج ۱، ۲۵۳؛ ابن اثیر، ۱۴۱۷: ۵۰۱-۵۰۷؛ سبط ابن جوزی، ۱۴۲۶: ۳۱۷؛ ابن ابی الحدید معتزلی، ۱۳۸۵: ج ۱۶، ۲۶۳؛ بحرانی، بی‌تا: ج ۵، ۱۰۱؛ إربلی، بی‌تا: ج ۱، ۴۵۴؛ علم الهدی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۳۸۴)

#### نمونه دیگر سخنان حضرت با زنان مهاجر و انصار است:

ایشان در ملاقات زنان مدینه در حالی که در بستر بیماری بودند فرمودند: به خدا سوگند صبح کردم در حالی که نسبت به دنیای شما بی‌میل و نسبت به مردان شما ناراحتم، آنان را از دهان خویش بدور افکنده، و بعد از شناخت حال‌شان به آنان بغض ورزیدم، پس چه زشت است کندی شمشیرها و سستی بعد از تلاش و سر بر سنگ خارا زدن، و شکاف نیزه‌ها و فساد آراء و انحراف انگیزه‌ها، و چه زشت است ذخیره‌هایی که پیش فرستادند، و خداوند بر آنان خشم گرفته و در عذاب جاودانه خواهند بود، بدون شک مسئولیت این عمل به عهده ایشان بود و سنگینی آن به دوش‌شان است، و ننگ و عارش دامن‌گیرشان می‌گردد، پس این شتر بینی بریده و زخم‌خورده باشد، و گروه ستم‌کاران از رحمت الهی بدورند. وای بر آنان، چگونه خلافت را از مواضع ثابت و بنیان‌های نبوت و ارشاد، و محل هبوط جبرئیل، و آگاهان به امور دین و دنیا دور ساختند، آگاه باشید که این زیان بزرگی است، و چه عیبی از علی علیه السلام گرفتند، به خدا سوگند عیب او شمشیر برانش، و بی‌اعتنایی به مرگ، و شدت برخوردش، و عقوبت دردناکش، و این که غضبش در راه رضای الهی

بود. به خدا سوگند اگر از راه روشن بدور رفته، و از پذیرش طریق مستقیم کناره می‌گرفتند، آنان را به سوی آن آورده و بر آن وامی‌داشت، و به سهولت به راه‌شان می‌برد، و این شتر را سالم به مقصد می‌رساند، که راهبرش را دچار زحمت نکند و سواره‌اش را ملول نگرداند، و آنان را به محل آب خوردنی می‌رساند، که آبش صاف و فراوان بوده و از آن لبریز باشد و هرگز کدر نگردد، و ایشان را از آن جا سیراب بیرون می‌آورد، و در پنهان و آشکار برای‌شان ناصح بود. اگر او در محل خلافت می‌نشست هرگز ثروت دنیوی برای خود قرار نمی‌داد، و از آن بهره فراوانی بر نمی‌داشت، جز به اندازه فرونشاندن تشنگی و رفع گرسنگی، و به ایشان می‌شناساند تا بین زاهد و دنیاپرست، و راستگو و دروغگو تشخیص دهند. و اگر ملت‌ها ایمان آورده و تقوی پیشه کنند برکات آسمان و زمین را بر آنان فرو می‌ریختیم، و لکن آیات الهی را تکذیب کردند و از این رو آنان را در برابر آنچه انجام دادند گرفتار ساختیم، و کسانی که از این گروه ستم نمودند نتایج زشتی کارشان به زودی دامن‌گیرشان شده و هرگز بر ما غالب و پیروز نخواهند شد. آگاه باش، بیا و بشنو، هرچه زندگی کنی روزگار عجاییبی را به تو نشان خواهد داد، و اگر تعجب کنی، گفتار اینان تعجب‌آور است، ای کاش می‌دانستم که به چه پناهگاهی پناهنده شده، و به کدام ستونی تکیه داده، و بر کدام فرزندان تجاوز نموده و استیلا جسته‌اند؟ چه بد رهبر و دوستی را انتخاب کرده‌اند، و برای ستم‌کاران بد بدلی است. به خدا سوگند، به جای پرهای بزرگ، روی بال دم را انتخاب، و به جای پشت، دم را برگزیدند، دلیل گردد قومی که می‌پندارد با این اعمال کار خوبی انجام داده است، بدانید که اینان فاسدند اما نمی‌دانند، وای بر اینان، آیا کسی که هدایت یافته سزاوار پیروی است، یا کسی که هدایت نیافته و نیازمند هدایت است، وای بر شما چگونه حکم می‌کنید به جان خودم سوگند، نطفه این فساد بسته شد، در انتظار باشید تا این مرض فساد در پیکر جامعه منتشر شود، آن‌گاه از پستان شیر خون تازه و زهری هلاک‌کننده بدوشید، در این جاست که رهپیمایان راه باطل زیان کار شده، و آیندگان عاقبت اعمال گذشتگان را می‌یابند، آن‌گاه جان‌تان با دنیای‌تان، و قلب‌تان با فتنه‌ها آرام می‌گیرد، و بشارت باد شما را به شمشیرهای کشیده و حمله متجاوز ستمکار، و به هرج و مرج عمومی و استبداد زورگویان، که حقوق‌تان را اندک داده و اجتماع شما را به وسیله شمشیرهایش درو خواهد کرد، پس حسرت بر شما باد که کارتان به کجا می‌رسد، آیا من می‌توانم شما را به کاری وادارم که از آن روی گردانید. سویدین غفله گوید: زنان سخنان آن حضرت را برای شوهران‌شان بازگو کردند، گروهی از مهاجرین و انصار برای عذرخواهی نزد ایشان آمده و گفتند: ای سرور زنان، اگر حضرت علی علیه السلام این مطالب را قبل از بیعت با ابوبکر برایمان می‌گفت کسی را بر او ترجیح نمی‌دادیم. آن حضرت فرمود: از نزدم دور شوید، بعد از ارتکاب گناه و سهل‌انگاری، عذرخواهی برای شما مفهومی ندارد. (ابن طیفور، بی‌تا: ۳۲؛ یعقوبی ابن واضح، ۱۳۵۸: ج ۱، ۵۱۲؛ صدوق، ۱۴۰۳: ۳۵۶؛

طبرسی، بی‌تا: ۱۴۶؛ اربلی، بی‌تا: ۱۲۰-۱۱۸؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ج ۱۶، ۲۳۳؛  
مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۴۳، ۱۵۸ و ...)

همان‌گونه که مشهود است در تک‌تک جملات حضرت در خطبه فدکیه و سخنان حضرت با زنان مدینه نشانه تأثر و اعتراض و نگرانی نسبت به وضعیت موجود جامعه که همان گمراهی امت از مسیر اصلی اسلام است کاملاً نمودار است.

این اندوه آن‌چنان جانکاه است که به علی علیه السلام پیشنهاد شد به زهرا علیها السلام بگویند یا شب بگردید و یا صبح و آن قدر جانگداز بود که جان خود و فرزندش را در راه دفاع از آن از دست داد. حضرت زهرا علیها السلام مسلماً این وقایع را از پدر شنیده است لذا در فراق پدر می‌نال اما از بیراهه رفتن امت پدرش مویه می‌کند و سخت آزرده خاطر است.

پس باید بشارتی به او داده شود تا تسلای دل ایشان باشد حال این بشارت و تسلا باید حتماً در ارتباط با همان اندوه باشد تا دل زهرا علیها السلام گرم و چشمش روشن و قلبش آرام شود تا شاید دوباره لبخند مسرت‌بخش را بر لبان حضرت نقش ببندد. اما این بشارت چیست؟

#### بشارت بازگشت امامت در مسیر اصلی خود و هدایت امت با ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه

گفتیم که بشارتی بس گوارا لازم است تا این آتش را سرد و لبخند مسرت را بر لبان زهرای مرضیه نقش ببندد. اما خبر مسرت‌بخش چیست؟ مسلماً خبر ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه از سلاله مطهر حضرت که می‌تواند مسیر امامت را به جایگاه اصلی خویش بازگرداند و راه‌های هدایت را بر امت اسلام بازگشاید گواراترین مژده‌ای است که پیامبر صلی الله علیه و آله به دختر خود می‌دهد. لذا این خبر را پیامبر صلی الله علیه و آله با تعبیر ابشری یا فاطمه بیان می‌دارد. برای اثبات این موضوع احتمالاتی را که ناظر بر این بشارت است را بررسی می‌کنیم.

۱. اگر بگوئیم بشارت پیامبر صلی الله علیه و آله تنها ناظر بر ملحق شدن حضرت زهرا علیها السلام اندکی پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله است، این بشارت نمی‌تواند به تنهایی تسلی‌خاطری برای حضرت باشد. چرا که با اندوه حضرت سازگاری ندارد و در بخش قبل ثابت شد اندوه حضرت به خاطر گمراهی امت و تضییع حق اهل بیت و انحراف امت از ولایت اهل بیت علیهم السلام بوده است.

۲. اگر بگوئیم بشارت پیامبر صلی الله علیه و آله تنها ناظر بر شرافت و بیان افتخارات خانوادگی و حسب و نسب خاندان رسالت و امامت است باز هم به تنهایی نمی‌تواند موجب مسرت دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله واقع شود بی‌اعتباری حسب و نسب در قرآن و احادیث و سیره معصومین علیهم السلام کاملاً

مشهود بوده است. به بیان دیگر چون پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خبر آمدن مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى را از نسل فرزندان زهرا عَلَيْهَا السَّلَام به ایشان داد باعث مسرت حضرت شده و غم و اندوه ایشان تسکین یافته است. این احتمال نیز چندان قوی به نظر نمی‌رسد. با این که اتفاقی بزرگ برای حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام است که مهدی موعود عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى از نسل ایشان است، اما این تنها چیزی نیست که باعث خوشحالی حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام شود. چرا که زهرا عَلَيْهَا السَّلَام خود بیشتر از همه از بی‌اعتباری حسب و نسب واقف است. از سوی دیگر بارها در قرآن در مورد بی‌اعتباری حسب و نسب تأکید شده و تصریح شده که این عوامل هرگز نمی‌تواند در دنیا و آخرت انسان را سعادت‌مند کنند و از سوی دیگر شواهدی از همسر و فرزندان انبیاء در قرآن ذکر شده که علیرغم استیلای روح نبوت در خانواده باز برخی از اعضای خانواده از مسیر حق روی برتافته و به مسیر باطل گرایش پیدا کردند. که ذکر این شواهد مجال دیگر می‌طلبد.

۳. بنابراین این بشارت تحلیلی دیگر را می‌طلبد. به نظر نگارنده بشارت باید با اندوه متناسب باشد تا موجب تسلا شود. اگر اثبات کردیم که اندوه حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام ترس از گمراهی و انحراف امت از مسیر واقعی اسلام است پس باید بشارتی متناسب با این اندوه به حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام داد شود تا موجب تسلی خاطر ایشان باشد. این که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امتیازات و افتخارات و شرافت خود، و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام رسالت را در این حدیث با دخترش بر می‌شمارد می‌تواند ناظر به این باشد که همان‌گونه که خداوند اسلام را با رسالت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و شمشیر حمزه و تدبیر جعفر و فداکاری‌های علی عَلَيْهِ السَّلَام یاری کرد بعد از این نیز با وصایت علی عَلَيْهِ السَّلَام، درایت حسن عَلَيْهِ السَّلَام و شهادت حسین عَلَيْهِ السَّلَام و ظهور مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى نیز یاری خواهد کرد. این معنا در یکی دیگر از مجموعه این روایات این چنین آمده است:

خداوند دین را در آخرالزمان قوام و استحکام می‌بخشد همان‌گونه که در اول زمان این‌گونه کرد. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ج ۱، ۱۴۲)

به عبارت دیگر پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این تضمین را به دخترش می‌دهد مادامی که اهل بیت وجود داشته باشند و مردم از اهل بیت اطاعت کنند، گمراهی نخواهد بود. از سوی دیگر این نوید را به ایشان می‌دهد که اگرچه امامت بعد از رحلت از مسیر خود منحرف خواهد شد اما با ظهور مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى دوباره به مسیر اصلی خود باز خواهد گشت و با ظهور حضرت سرچشمه‌های هدایت دوباره پدیدار خواهند گشت. دلیل این ادعا را می‌توان تقریر و تأیید ضمنی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت به دغدغه‌های حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام دانست. چرا که وقتی حضرت

زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ فرمود «اخشى الضيعة من بعدك از نابودی» (دین یا تزییع حق و گمراهی امت) بعد از شما می‌ترسم. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این ترس را رد نکرد و نفرمود نگران نباش دین نابود نمی‌شود یا حق اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ غصب نمی‌شود بلکه به بیان افتخارات و مناقب خاندان نبوت تا مهدی موعود عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اشاره کرد و اگر این اندوه را متناسب با بشارت بدانیم، این بشارت می‌تواند ناظر به این دو معنا باشد. اول این که با اطاعت مردم از خاندان نبوت و امامت از گمراهی نجات خواهند یافت و دوم این که با ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ امامت به جایگاه اصلی خود بازخواهد گشت.

پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بارها وعده ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را به مردم و مخاطبان خاص خود بشارت داده است. یکی از این بشارت‌ها، مربوط به اواخر عمر حضرت در بستر بیماری و خطاب به حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ است. در این روایات ۱۶ گانه - نوعاً معتبر و قابل اعتماد هستند - آمده است حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ در اواخر عمر پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر بالین حضرت حاضر شده و با دیدن حال پدر به شدت نگران و گریان است و در جواب پدر که از علت گریه سؤال می‌کند، می‌فرماید: «اخشى الضيعة من بعدك؛ از نابودی بعد از شما می‌ترسم.» پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای بر طرف کردن این نگرانی‌ها از مناقب اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و جایگاه ایشان صحبت می‌کند و نوید ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و هدایت مردم را تبیین می‌کند. با تحقیق در مورد واژه الضيعة مشخص می‌شود این واژه به معنای سرمایه‌های پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یعنی قرآن و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است و نگرانی دختر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این است که این سرمایه‌ها با رحلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در معرض خطر قرار گیرد و به تبع آن مردم پس از رحلت ایشان - همان طور که قرآن بر این مطلب بر مسلمانان هشدار داده است - با انحراف از دستورات قرآن و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ دوباره در مسیر گمراهی و انحراف قرار گیرند. شواهدی در سایر روایات همچنین در سیره قولی و فعلی حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ به خصوص با توجه به خطبه فدکیه و سخنان ایشان در جمع زنان مهاجر و انصار بر این موضوع دلالت می‌کند. اما پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با ذکر مناقب اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و بشارت ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به عنوان آخرین ذخیره الهی برای هدایت مردم و بازگشت امامت در مسیر اصلی خود، سعی در بر طرف کردن نگرانی دخترش می‌کند. به عبارت دیگر این بشارت که با نگرانی حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ همسوست می‌تواند ناظر به دو معنا باشد. اول این که با اطاعت از خاندان نبوت و امامت مردم از گمراهی نجات خواهند یافت و دوم این که با ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ امامت به جایگاه اصلی خود بازخواهد گشت.



## نتیجه گیری

نگرانی و اندوه حضرت زهرا علیها السلام هم زمان و بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله موضوعی است که روایات پذیرفته شده از سوی فرق و مذاهب اسلامی آن را تأیید می‌کند. علت این نگرانی‌ها که منجر به شهادت حضرت زهرا علیها السلام شده است نه فقط به خاطر فقدان نبی مکرم اسلام است بلکه - با توجه به عبارت اخشی الضیعه من بعدک که در این روایات آمده است - ناظر به تحولات، تغییرات و بدعت‌هایی است که همزمان و بلافاصله بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله افتاده است. گمراهی امت و تغییر مسیر اسلام از صراط مستقیم اهل بیت همان نگرانی است که در خطبه فدکیه و سخنان حضرت با زنان مدینه کاملاً مشهود است. البته گوشه‌ای از این اندوه جانکاه با بشارت ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بازگشت امت به صراط مستقیم توسط پیامبر صلی الله علیه و آله باعث تسلی حضرت زهرا علیها السلام شده است.

## منابع

### قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید معتزلی، فخرالدین ابوحامد عبدالحمید (۱۳۸۵ق)، شرح نهج البلاغه، بی‌جا، دار احیاء الکتب العلمیه.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۴۱۷ق)، منال الطالب فی شرح طوال الغرائب، قاهره، مکتبه الخانجی.
۳. ابن البطریق، یحیی بن الحسن الأسدی الحلّی (بی‌تا)، عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأئمة، قم، جماعة المدرسین.
۴. ابن المغازلی، علی بن محمد بن محمد الواسطی الشافعی (بی‌تا)، مناقب علی بن أبی طالب علیه السلام، تهران، المکتبه الإسلامیه.
۵. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۳۵۹ق)، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، نشر اسلامیه.
۶. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۳۸۶ق)، علل الشرائع، نجف، مکتبه حیدریه.
۷. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، معانی الاخبار، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۸. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (بی‌تا)، من لا یحضره الفقیه، قم، جماعة المدرسین.
۹. ابن جوزی تیمی قرشی، أبوالفرج عبدالرحمن (۱۴۰۳ق)، العلل المتناهیه فی الأحادیث الواهیة، بیروت، دارالکتب العلمیه.

١٠. ابن حجر هيثمى مكى، احمد(بى تا)، الصواعق المحرقة، قاهره، مكتبة القاهره.
١١. ابن حجر هيثمى مكى، احمد(بى تا)، القول المختصر فى علامات المهدي المنتظر، نجف، مكتبة الإمام أميرالمؤمنين العامة.
١٢. ابن حماد، نعيم مروزي(١٤١٤ق)، كتاب الفتن، بيروت، دارالفكر.
١٣. ابن طاووس، على بن موسى(١٣٩٨ق)، الملاحم والفتن فى ظهورالغائب المنتظر عليه السلام، قم شريف الرضى.
١٤. ابن طيفور، أحمد(بى تا)، بلاغات النساء، قم، شريف رضى.
١٥. ابن عبدالوهاب، شيخ حسين(بى تا)، عيون المعجزات، قم، منشورات مكتبة الداورى.
١٦. ابن عدى جرجانى، ابى احمد عبدالله(١٤٠٩ق)، الكامل فى الضعفاء الرجال، بيروت، دارالفكر.
١٧. ابن عساكر، على بن حسن(١٤١٥ق)، تاريخ مدينه دمشق، دمشق، مجمع اللغة العربية و دارالفكر.
١٨. أبوالفرج الأصفهاني، على بن الحسين بن محمد الأموى(بى تا)، مقاتل الطالبين، نجف، المكتبة الحيدرية.
١٩. ابونعيم أصفهاني، أحمد بن عبدالله(بى تا)، حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، بيروت، دارالكتاب العربى.
٢٠. إربلى، على بن عيسى بن أبى الفتح(بى تا)، كشف الغمة فى معرفة الأئمة، بيروت، دارالكتاب الإسلامى.
٢١. الآبى، منصور بن حسين(بى تا)، نثر الدرر فى المحاضرات، بيروت، دارالكتب العلميه.
٢٢. آلوسى، سيد محمود(١٤١٥ق)، روح المعانى، بيروت، دارالكتب العلميه.
٢٣. بحراني الأصفهاني، عبدالله(بى تا)، عوالم النصوص على الأئمة الإثنى عشر عليهم السلام، قم، مؤسسة إمام مهدي عليه السلام.
٢٤. بحراني الأصفهاني، عبدالله(بى تا)، عوالم سيدة النساء فاطمة عليها السلام، قم، مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام روضة الشريف.
٢٥. بحراني، سيدهاشم بن سليمان بن إسماعيل(١٤١٣ق)، حلية الأبرار، قم، مؤسسة المعارف الإسلاميه.
٢٦. بحراني، سيدهاشم بن سليمان(١٤١٧ق)، عمدة النظر فى بيان عصمة الأئمة الإثنى عشر،

تهران، دارالجلی.

۲۷. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان (۱۴۲۲ق)، *غایة المرام*، بیروت، مؤسسة التاريخ العربی.
۲۸. بحرانی، علی بن میثم (بی تا)، *شرح نهج البلاغه*، بی جا، دارالحبیب.
۲۹. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۸۳ق)، *رجال البرقی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۰. بلبیسی شافعی، محمد بن محمد بن أحمد (بی تا)، *العطر الوردی*، قاهرة، المطبعة الأمیریة.
۳۱. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد (۱۴۰۹ق)، *شرح الاخبار*، قم، جامعه مدرسین.
۳۲. جمعی از نویسندگان (۱۴۲۸ق)، *معجم الاحادیث الامام المهدي*، قم، مسجد مقدس جمکران.
۳۳. جمعی از نویسندگان (بی تا)، *موسوعة الحديث*، بی جا، دانشنامه اینترنتی الفکره.
۳۴. جوهری بصری، احمد بن عبدالعزیز (بی تا)، *السقیفه وفدک*، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه.
۳۵. جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد بن المؤید (بی تا)، *فرائد السمطین*، بیروت، مؤسسة المحمودی.
۳۶. حافظ اصبهانی، احمد بن عبدالله (۱۹۳۴م)، *ذکر اخبار اصبهان*، لیدن، بی نا.
۳۷. حاکم نیشابوری، محمد بن محمد (۱۴۰۶ق)، *المستدرک*، بیروت، دارالمعرفه.
۳۸. حر عاملی، محمد (۱۴۱۸ق)، *الفصول المهمة*، قم، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام.
۳۹. حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا)، *اثبات الهداة*، قم، المطبعة العلمية.
۴۰. حلی، حسن بن سلیمان (بی تا)، *مختصر بصائر الدرجات*، قم، الرسول المصطفی.
۴۱. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق)، *خلاصة الاقوال*، قم، دارالذخائر.
۴۲. حلی، حسن بن یوسف (بی تا)، *كشف اليقين فی فضائل أمير المؤمنين علیه السلام*، نجف، دارالکتب التجارية.
۴۳. خزاز قمی، ابوالقاسم علی بن محمد (۱۳۶۰ش)، *کفایه الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر*. قم، بیدار.
۴۴. خوارزمی، ابوالمؤید الموفق بن أحمد بن محمد البکری (بی تا)، *المناقب للخوارزمی*، تهران، إصدار مکتبه نینوی الحدیثه.
۴۵. خوارزمی، ابوالمؤید الموفق بن أحمد بن محمد البکری (بی تا)، *مقتل الحسین*، نجف، مکتبه الزهراء علیها السلام.
۴۶. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، *معجم رجال الحديث*، قم، مرکز نشر آثار شیعه.

٤٧. دارقطنى، على بن عمر (بى تا)، *الإفراد*، بى جا، المكتبة الظاهرية.
٤٨. ديلمى، أبو محمد (بى تا)، *إرشاد القلوب*، بيروت، مؤسسة الأعلمى.
٤٩. ذهبى، عبدالله محمد بن أحمد بن عثمان (بى تا)، *ميزان الاعتدال فى نقد الرجال*، دار المعرفة، بيروت.
٥٠. رازى، محمد بن عبدالقادر (١٤١٥ق)، *مختار الصحاح*، بيروت، دارالكتب العلمية.
٥١. راغب اصفهانى، حسين بن محمد (١٤١٢ق)، *المفردات فى غريب القرآن*، دمشق و بيروت، دارالعلم و الدار الشامية.
٥٢. زبيدى، محمد بن مرتضى (بى تا)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بيروت، المكتبة الحياة.
٥٣. سبط ابن جوزى، شمس الدين (١٤٢٦ق)، *تذكرة الخواص*، بى جا، مجمع جهانى اهل بيت عليه السلام.
٥٤. سخاوى الشافعى، محمد بن عبدالرحمن (١٤٢١ق)، *استجلاب ارتقاء الغرف*، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، اول.
٥٥. السيد ابن طاووس، على بن موسى (بى تا)، *الطرائف فى معرفة مذاهب الطوائف*، قم، مطبعة الخيام.
٥٦. سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن (١٤٠٦ق)، *مسند فاطمة الزهراء*، حيدرآباد هند، مطبعة العزيزية.
٥٧. سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن (بى تا)، *الآلى المصنوعة فى الأحاديث الموضوعية*، بيروت، دارالمعرفة.
٥٨. سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن (بى تا)، *جمع الجوامع (الجامع الكبير)*، مصر، دارالكتب المصرية.
٥٩. سيوطى، جلال الدين (١٤٠٣ق)، *الحوارى للفتاوى*، بيروت، دارالكتب العلمية.
٦٠. سيوطى، جلال الدين (١٤٠٣ق)، *العرف الوردى فى أخبار المهدي*، بيروت، دارالكتب العلمية.
٦١. سيوطى، جلال الدين (بى تا)، *جامع الأحاديث*، دمشق، مطبعة محمد هاشم الكتبى.
٦٢. صافى گلپايگانى، لطف الله (١٣٨٥ش)، *منتخب الأثر فى الإمام الثانى عشر عليه السلام*، تهران، مكتبة الصدر.
٦٣. صالح، صبحى (١٩٩١م)، *علوم الحديث و مصطلحه*، بيروت، دارالعلم للملايين.
٦٤. طبرانى، سليمان بن احمد (بى تا)، *المعجم الاوسط*، بى جا، دارالحرمين.

۶۵. طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا)، *المعجم الصغير*، بیروت، دارالکتب العلمية.
۶۶. طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا)، *المعجم الكبير*، قاهره، مكتبة ابن تیمیه.
۶۷. طبرسی، احمد بن علی (بی تا)، *احتجاج*، بی جا، دارالنعمان.
۶۸. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ق)، *دلائل الامامة*، قم، مؤسسة الرساله.
۶۹. طبری، احمد بن عبدالله (۱۳۵۶ق)، *ذخائر العقبی*، بی جا، دارالکتب القدسی.
۷۰. طحان، محمود (۱۴۰۴ق)، *تیسیر مصطلح الحدیث*، کویت، دارالتراث.
۷۱. طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸ق)، *مجمع البحرين*، بی جا، مكتب النشر الثقافة الاسلامیه.
۷۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیه، اول.
۷۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۱ق)، *رجال*، نجف، انتشارات حیدریه.
۷۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، *الأمالی*، قم، دارالثقافة.
۷۵. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *الفهرست*، نجف، المكتبة المرتضوية.
۷۶. العدوی الحمزاوی، شیخ حسن (بی تا)، *مشارق الأنوار فی فوز أهل الاعتبار*، بی جا، المطبعة العثمانية.
۷۷. علم الهدی، محمد بن محسن (۱۴۰۹ق)، *معادن الحكمة فی مكاتیب الاثمه*، قم، نشر اسلامی.
۷۸. علم الهدی، سید مرتضی (۱۴۱۰ق)، *الشافی فی الإمامة*، تهران، مؤسسة الصادق علیه السلام.
۷۹. غضائری، احمد بن حسین (۱۳۶۴ق)، *رجال ابن الغضائری*، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۸۰. غماری إدريسی، عبدالله بن محمد بن صدیق حسنی (۱۴۰۵ق)، *المهدی المنتظر*، بیروت، عالم الكتب.
۸۱. غماری حسنی، أحمد بن محمد (بی تا)، *إبراز الوهم المكنون من كلام ابن خلدون*، دمشق، مطبعة الترقی.
۸۲. فرات الكوفی، فرات بن إبراهيم (بی تا)، *التفسیر*، نجف، المطبعة الحيدرية و قم، مكتبة الداوری.
۸۳. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۶ق)، *ینایع الموده*، تهران، دارالاسوه.
۸۴. قنوجی البخاری، محمد صدیق حسن (بی تا)، *الإذاعة لما كان وما يكون بين يدي الساعة*، بیروت، مطبعة دارالکتب العلمية.
۸۵. قیس الهلالی، سلیم بن (۱۴۰۵ق)، *کتاب سلیم قیس هلالی*، قم، نشر الهادی.

٨٦. كشي، محمد بن عمر (١٣٤٨ ش)، رجال الكشي، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد.
٨٧. كوفي القاضي، محمد بن سليمان (١٤١٢ ق)، مناقب الإمام أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام، قم، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية.
٨٨. گنجی شافعی، محمد بن یوسف (١٣٦٢ ش)، البيان في أخبار صاحب الزمان عليه السلام، تهران، دار إحياء التراث أهل البيت عليه السلام.
٨٩. مامقانی، عبدالله (١٤١١ ق)، مقباس الهداية في علم الدراية، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
٩٠. متقی هندی، علی بن حسام الدین (١٤٠٩ ق)، کنز العمال، بیروت، مؤسسة الرسالة.
٩١. متقی هندی، علی بن حسام الدین (بی تا)، البرهان في علامات مهدي آخر الزمان، تهران، شركة الرضوان و قم، مطبعة الخيام.
٩٢. مجلسی، محمد باقر (١٤٠٤ ق)، بحار الانوار، بی جا، دار الاحیاء التراث العربی.
٩٣. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین حسینی (١٤٠٨ ق)، ملحقات إحقاق الحق، قم، مكتبة آية الله مرعشي نجفی.
٩٤. مصطفوی، حسن (١٣٦٠ ش)، التحقیق في كلمات القرآن الكريم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
٩٥. مقدسی حنبلی، مرعی بن یوسف (١٤٢٥ ق)، فرائد فوائد الفکر في الإمام المهدي المنتظر، بی جا، مؤسسة دارالکتاب الإسلامي.
٩٦. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی (١٤٢٨ ق)، عقد الدرر في أخبار المنتظر عليه السلام، قم، مسجد مقدس جمکران، سوم.
٩٧. مکرم، محمد بن (١٤٠٥ ق)، لسان العرب، بی جا، دار الاحیاء التراث العربی.
٩٨. ناصری، محمد امیر (١٤٢٧ ق)، الإمام المهدي عليه السلام في الأحاديث المشتركة بين السنة والشيعه، تهران، المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية، المعاونة الثقافية / مركز التحقيقات و الدراسات العلمية، اول.
٩٩. نجاشی، احمد بن علی (١٤٠٧ ق)، رجال النجاشی، قم، جامعه مدرسین.
١٠٠. هيثمی، نورالدین علی (١٤١٨ ق)، مجمع الزوائد، بیروت، دارالکتب العلمیه.
١٠١. یعقوبی، ابن واضح (١٣٥٨ ش)، تاریخ یعقوبی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

